

دکتر دانیل کی. دارکو، انجیل لوقا، جلسه 18، بحث بلزبول، لوقا 11:14-36

دن دارکو و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر دانیل دارکو در حال تدریس در مورد انجیل لوقا است. این جلسه 18، بحث بلزبول است. لوقا 11:14-36.

به مجموعه سخنرانی‌های الکترونیکی کتاب مقدس در مورد انجیل لوقا خوش آمدید. مجدداً از شما به خاطر دنبال کردن مجموعه سخنرانی‌های ما تشکر می‌کنم. در سخنرانی قبلی در مورد تعلیم دعا توسط عیسی صحبت کردیم، زمانی که یکی از شاگردان نزد او آمد و از او خواست که به آنها دعا کردن را بیاموزد.

عیسی اساساً آنچه را که ما به عنوان دعای ربانی می‌شناسیم به آنها آموخت یا برایشان شرح داد، اما نسخه لوقا کمی با نسخه متی متفاوت است. در لوقا، همانطور که عیسی تأکید می‌کند، عیسی در ادامه مثلی را بیان می‌کند که در آن دوستی در زمانی بسیار غیرمعمول به دیدارشان می‌آید، اما آن دوست به دلیل پافشاری می‌تواند وارد شود و کمک کند. عیسی از این مثل به عنوان مقدمه‌ای برای تأکید بر این نکته استفاده می‌کند که شاگردانش می‌توانند بی‌رسند و مدام بی‌رسند، جستجو کنند و مدام جستجو کنند، در بزند و مدام در بزند، و پدری را خواهند یافت که به آنها علاقه دارد، نیازهایشان را برآورده می‌کند و به دعاهایشان پاسخ می‌دهد.

حال، لوقا بحث دیگری را در اینجا آغاز می‌کند که در آن عیسی در موقعیتی قرار می‌گیرد که درگیر جن‌گیری می‌شود و این خود واکنشی را برمی‌انگیزد که نیاز به بحث بیشتری دارد. محققان از این موضوع به عنوان جنجال بلزبول یاد کرده‌اند. بنابراین، بیایید نگاهی سریع به آن از فصل 11 لوقا از آیه 14 ببینیم.

وقتی به متن نگاه می‌کنیم، همانطور که متن را می‌خوانیم، این چهار نکته را در ذهن خود داریم و آنها را با دقت بیشتری بررسی خواهیم کرد. ببینید جمعیت چگونه به مواجهه با قدرت در خدمت عیسی واکنش نشان خواهند داد. و سپس ببینید که چگونه شکاکان و کسانی که می‌خواهند عیسی را زیر سوال ببرند، کار او را به کار یک روح شیطانی، یعنی شیطان، نسبت خواهند داد.

همچنین، وقتی به آیات 17 تا 26 می‌رسیم، باید با دقت توجه کنید و ببینید که عیسی چگونه با نشان دادن مفهوم دو پادشاهی و برخی از مواردی که می‌خواهد بر آنها تأکید کند، پاسخ خواهد داد. در نهایت، خواهید دید که پس از پاسخ عیسی، او با صحبت در مورد نسلی که به دنبال نشانه‌ها هستند و تنها نشانه‌ای که می‌توانند ببینند و تجربه کنند، نشانه یونس است، این را تقریباً به یک سرزنش تبدیل می‌کند. بنابراین حالا بیایید متن کتاب مقدس را از آیه 14 بخوانیم.

از روی نسخه الکترونیکی انجیل خوانده می‌شد. حال، او داشت دیوی لال را بیرون می‌کرد. وقتی دیو بیرون می‌رفت، مرد لال سخن می‌گفت و مردم شگفت‌زده می‌شدند.

اما بعضی از ایشان گفتند که او دیوهای بلزبول، رئیس دیوها، را بیرون می‌کند، در حالی که دیگران برای آزمایش او، از او آیتی آسمانی می‌خواستند. اما او، با درک افکارشان، به ایشان گفت: هر پادشاهی که بر ضد خود تجزیه شود، دیر یا زود از بین می‌رود و خانه‌ای که بر ضد خود تجزیه شود، فرو می‌ریزد. و اگر شیطان نیز بر ضد خود تجزیه شود، پادشاهی او چگونه پایدار خواهد ماند؟ زیرا شما می‌گویید که من دیوها را به وسیله بلزبول بیرون می‌کنم.

و اگر من به وسیله‌ی بعزلبول دیوها را بیرون می‌کنم، پسران شما به وسیله‌ی چه کسی آنها را بیرون می‌کنند؟ بنابراین، آنها داوران شما خواهند بود. اما اگر به وسیله‌ی انگشت خدا دیوها را بیرون می‌کنم، پس پادشاهی خدا بر شما آمده است. وقتی مرد قوی و مسلح از خانه‌ی خود محافظت می‌کند، اموالش در امان است.

اما چون کسی قوی‌تر از او به او حمله کند و بر او غلبه یابد، زره‌ای را که به آن توکل داشت از او می‌گیرد و او را در سقوطش شریک می‌کند. هر که با من نیست، بر ضد من است. و هر که با من جمع نکند، پراکنده می‌سازد.

از آیه ۲۴. وقتی روح پلید از شخصی بیرون می‌آید، در جاهای خشک و بی‌آب به دنبال استراحت می‌گردد. و چون جایی نمی‌یابد، می‌گوید: به خانه‌ای که از آن آمده‌ام، برمی‌گردم.

و چون می‌آید، خانه را جارو شده و مرتب می‌بیند. سپس می‌رود و هفت روح دیگر بدتر از خود را می‌آورد و آنها وارد آنجا شده و ساکن می‌شوند. و عاقبت آن شخص از اولش بدتر می‌شود.

بیاپید به این موضوع پردازیم، و بعداً از آیه ۲۷ شروع می‌کنم، و سپس از آنجا به بررسی این جنجال بعزلبول می‌پردازیم. ابتدا، بیاپید ببینیم که جمعیت چگونه واکنش نشان خواهند داد و چه اتفاقی در اینجا می‌افتد. در اینجا با یک موقعیت بسیار جالب مواجه می‌شویم.

عیسی کاری را انجام داد که قبلاً در انجیل لوقا انجام داده بود. ما می‌دانیم که حتی در کنیسه یهودیان عیسی دیوها را بیرون کرد. بنابراین، این چیز جدیدی در خدمت عیسی در انجیل لوقا تا اینجا نیست.

عیسی مسیح در مقابله با فعالیت‌های شیطانی روحانی نقش داشته و خواهد داشت. اما در اینجا، آنچه از میان جمعیت برمی‌آید، زمینه را برای بحثی که در پی خواهد آمد، فراهم می‌کند. قرار بود این واقعیت که آن مرد مدتی لال بوده، به عنوان بیماری‌ای که زندگی این مرد را در بر گرفته یا اشغال کرده، درک شود.

اما وقتی عیسی وارد می‌شود، با آن وضعیت خاص به عنوان یک وضعیت معنوی برخورد می‌کند. باید اینجا روشن کنم که در فرهنگ یهود باستان، مرتبط کردن بیماری جسمی با علت معنوی غیرمعمول نیست. بنابراین گاهی اوقات کسی بیمار می‌شود و به این دلیل است که باور می‌کند که آن شخص بیمار است یا چیزی شبیه به این، گناه کرده یا کاری علیه خدا انجام داده است و به همین دلیل است که این عواقب در حال آشکار شدن است.

این حال، آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد بسیار جالب است زیرا عیسی در این سفر از جلیل به سمت اورشلیم حرکت می‌کند. واکنش غریزی مردم این است که کار او را به یک موجود روحانی شیطانی نسبت دهند. من حتی نمی‌گویم که یهوه شاید این کار را انجام می‌دهد زیرا کسی علیه یهوه گناه کرده است.

بنابراین، بیاپید چند نکته را از نظر شگفتی و واکنش جمعیت بررسی کنیم. اولاً، در اینجا می‌بینیم که جمعیت هیچ شکی در مورد پیوند معنوی لالی که در حال وقوع بود، نداشتند. در روایت هیچ شکی در مورد موفقیت جن‌گیری مطرح نشده بود، زیرا عیسی واقعاً دیو را بیرون کرده بود و آن شخص به وضعیت عادی بازگشته بود.

چیزی که جمعیت را شگفت‌زده کرد، ماهیت دراماتیک این اتفاق بود. در آنجا، با کمی شک و تردید مواجه می‌شویم. بنابراین، می‌بینید، افرادی که در اطراف هستند نیز به یک نام خاص در سنت بت‌پرستی اعتقاد دارند و از آن اطلاع دارند.

یک سر روحانی، اگر دوست دارید، شیطان، که به عنوان بعلزبول شناخته می‌شود، برگرفته از خدایی است که ما از سنت بت پرستی بعل می‌شناسیم. برخی از این خدایان باروری برای تأثیرگذاری بر سیستم آمده‌اند. آنها می‌گویند عیسی با قدرت این روح بیدار شده است، که بعداً، همانطور که لوقا توضیح می‌دهد، به عنوان بیداری شیطان در این زمینه توصیف خواهد شد.

یعنی کار عیسی به قوی‌ترین و قدرتمندترین عامل معنوی شیطانی شناخته شده نسبت داده می‌شود. آنها جادو و فعالیت شیطانی را به آنچه عیسی انجام می‌داد، نسبت دادند. با این کار، آنها در حال به چالش کشیدن این هستند که عیسی به عنوان پسر خدا و منبع قدرت او برای انجام کارهای معجزه‌آسا چه کسی بوده است.

این واقعاً اتهام بزرگی است. در جای دیگر، عیسی حتی تا آنجا پیش می‌رود که در نوشته‌های دیگر انجیل نویسان، عیسی تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید مردم باید از چنین اتهاماتی دست بردارند، زیرا کسانی که علیه او گناه می‌کنند، می‌توانند بخشیده شوند، اما کسانی که جرأت می‌کنند علیه قدرت روح القدس نسبت به قدرت خدا گناه کنند تا واقعاً چنین جن‌گیری را انجام دهند، هرگز بخشیده نخواهند شد. اما این کاری است که این جمعیت اینجا در لوقا انجام می‌دهند.

لوقا آن بخش از روایت را در بحث خود نمی‌آورد، اما توجه ما را به این واقعیت جلب می‌کند که این موضوع در واقع یک مسئله‌ی مهم است. آنچه عیسی به آنها می‌گوید که باید از آن آگاه باشیم، به طور ضمنی در این روایت خاص آمده است. عیسی به آنها می‌گوید که آنها می‌دانند فرزندان خودشان، قوم خودشان، شیاطین را بیرون می‌کنند، اما آنها این کار را با استفاده از قدرتهایی انجام می‌دهند که از جانب خدا نیستند.

به عبارت دیگر، جن‌گیری شناخته شده بود، اما مختص به دوران خدمت عیسی نبود. آنچه در اینجا منحصر به فرد است، منبع قدرتی است که برای تحقق این شفای که در حال وقوع است، اعمال می‌شود. عیسی با گفتن این داستان درباره دو پادشاهی به آنها پاسخ می‌دهد، زیرا آنها او را تا حدی تحریک کرده‌اند که او نمی‌خواهد تحمل کند.

آنها او را تحریک کرده‌اند که بگوید علیه خودش کار می‌کند، زیرا پادشاهی خدا و دشمنان پادشاهی خدا، اگر به یاد داشته باشید که در این سخنرانی‌ها اشاره کردم، سه‌گانه هستند. گناه، شیطان و مرگ. در اینجا آنها او را متهم می‌کنند که از طرف شیطان کار می‌کند و عیسی قرار نیست این را بپذیرد.

در آیه ۲۰ از فصل ۱۱، او می‌گوید: «اما اگر به انگشت خدا دیوها را بیرون می‌کنم، پس پادشاهی خدا بر شما آمده است.» وقتی مردی قوی، کاملاً مسلح، از کاخ خود محافظت می‌کند، اموالش در امان است. اما آن که قوی‌تر است، که نشان دهنده قدرتی است که از قدرتی که به آن اشاره می‌کنند قوی‌تر است، وقتی ظاهر می‌شود، بر مرد به اصطلاح قوی غلبه می‌کند.

سپس او در ادامه شرح می‌دهد که چگونه باید به قدرت او نگرسته و آن را تعریف کرد. در واقع، عیسی در مورد این دو پادشاهی رقیب صحبت می‌کند. پادشاهی تاریکی، پادشاهی شیطان، پادشاهی که توسط شیطان بی‌رحم اداره می‌شود، هر چه که شما بگویید.

و پادشاهی خدا و قدرتی که در پادشاهی خدا کار می‌کند. درست قبل از این فراز و نشیب، عیسی قبلاً گفته بود که اگر فرزندان خدا هر چه می‌خواهند از او بخواهند، پدر آسمانی حتی خوشحال می‌شود که روح القدس را به آنها عطا کند. بنابراین عیسی قبلاً در مورد روح القدس صحبت کرده بود و سپس پس از آن معجزات انجام داد و حضار شروع به گفتن این کردند که او در واقع از طرف روح دیگر کار می‌کند.

ما این سخنرانی‌ها را در آمریکا ضبط می‌کنیم، جایی که این چیزها چندان حساس نیستند. اما در برخی از کشورهای آفریقایی ما، وقتی در موقعیتی هستید که خدا در کار است و کسی آن را به برخی از قدرت‌های شیطانی نسبت می‌دهد، می‌توانید واکنش را ببینید زیرا درک جنگ معنوی قوی است و در تمام تار و پود جامعه نفوذ می‌کند.

روح شر نمی‌تواند به نمایندگی از روح خیر عمل کند. و اگر دوست دارید، عیسی پرخاشگر است. حالا، باید بگویم که عیسی مرد خوبی است.

او نمی‌گفت که اهل موشک بازی است. این حرف من است. فقط از این بابت خوشحال نیست.

او باید مرزها را به روشنی مشخص کند. او دو قلمرو را برمی‌شمارد که در معرض خطر هستند. این دو قلمرو در تعریف اصطلاحات واضح عمل می‌کنند.

یکی مرد قوی است و دیگری مرد قوی‌تر. او در سمت قوی‌تر کار می‌کند، نه قوی‌تر. و در اینجا، او در مورد اینکه چگونه قوی‌تر می‌تواند وارد شود صحبت می‌کند؛ او می‌تواند به سر دیگری، شیطان، حمله کند و تصرف او را به دست گیرد و وارد قلمرو او شود و چیزهایی را که در غیر این صورت متعلق به او بودند، تصاحب کند.

در اینجا، او از تصویر قلعه‌ای استفاده می‌کند که کسی وارد آن می‌شود و آنچه را که در آنجاست تصرف می‌کند. عیسی، با روشن کردن برخی از این ویژگی‌های لجستیکی در قلمرو معنوی، بر ماهیت پادشاهی خدا تأکید می‌کند. پادشاهی خدا را نمی‌توان با پادشاهی تاریخی برابر دانست.

در پادشاهی خدا، مردم آزاد می‌شوند. اگر به یاد داشته باشید، پیش از این در این سخنرانی‌ها در مانیفست ناصری، عیسی در مورد روح خدای زنده که بر من است صحبت کرد و او مرا مسح کرده است تا اسیران را آزاد کنم. در اینجا، کسی لال است و آن شخص شفا می‌یابد.

نکته اصلی نمایش قدرت به خودی خود نیست، بلکه نکته اینجاست که خدمت عیسی شامل آزاد کردن مردم و شفای بیماران نیز می‌شود. اما حضار اشتباه برداشت کردند. این موضوع مهمی است.

چرا؟ چون این کاملاً به رسالت عیسی در رسالتش مربوط می‌شود. او نمی‌تواند و رسالت او را نمی‌توان با رسالت شیطان یکی دانست. او در صحنه وسوسه در فصل ۴، شیطان را شکست داد. او در رسالت خود پیوسته با فعالیت‌های روحانی شیطانی سر و کار داشته است.

ممکن است بحث‌هایی پیش بیاید، اما درک دو پادشاهی، پادشاهی تاریخی و پادشاهی خدا، و این واقعیت که پادشاهی خدا پیروز خواهد شد، از همه چیز مهم‌تر است. اما من زبانی را که عیسی اینجا استفاده کرد دوست دارم. اگر با انگشت خدا، شیاطین را بیرون می‌کنم، با توسل به این واقعیت که او همین جا با قدرت خدا عمل می‌کند.

او با قدرت بعزلبول عمل نمی‌کند. اما انگشت خدا به چه معناست؟ انگشت خدا یکی از اصطلاحاتی است که در کتاب خروج استفاده می‌شود. در مورد صحنه خروج، انگشت خدا به قدرت خدا در کار اشاره دارد. این اشاره در مزمور ۸ نیز دیده می‌شود. اما انگشت خدا گاهی اوقات به چیزی اشاره دارد که از کار دست خدا سرچشمه می‌گیرد.

چیزی که از جانب خدا نوشته شده یا سرچشمه گرفته است. در متی ۱۲، انگشت خدا طنین روح خدا را دارد. برخی از ما در اینجا به استفاده از این کلمه برای اشاره به مورد اول تمایل داریم.

اگر به انگشت خدا، دیوها را بیرون می‌کنم، به این معنی است که اگر به قدرت خدا این کار را می‌کنم، و شما آن را به دیوها نسبت می‌دهید، آیا متوجه اشتباهی که مرتکب می‌شوید هستید؟ می‌بینید، همانطور که تیموتی جانسون می‌گوید، انگشتی قوی‌تر از شیطان در حال جنگ با اوست و حاکمیت خود را بر روی زمین، یعنی پادشاهی خدا، برقرار می‌کند. بنابراین، کاربرد این تمثیل. اگر کسانی که گوش می‌دهند اکنون به افرادی که دور پیامبر، یعنی عیسی، جمع شده‌اند نپیوندند، آنها نیز پراکنده خواهند شد زیرا کسی قوی‌تر از شیطان اینجاست.

عیسی به روشنی شرح می‌دهد که رسالتش چیست. این مرا به بحثی که از آیه ۲۷ ادامه دارد، می‌رساند. عیسی رو به آنها کرد و همانطور که این چیزها را می‌گفت، زنی در میان جمعیت بود که تمام این حرف‌ها را می‌شنید؛ آن زن بسیار هیجان‌زده بود.

او گفت: «خوشا به حال رحمی که تو را زایید و سینه‌ای که در آن لانه کردی.» اما او گفت: «خوشا به حال.» کسانی که کلام خدا را می‌شنوند و آن را حفظ می‌کنند. اکنون زمان احساساتی شدن نیست.

الان وقت صحبت کردن در مورد حقیقت و محبت نیست. اما وقت آن است که به موضوع جدی شاگردی واقعی برگردیم. شاگردی واقعی شامل نسبت دادن کار خدا به کارهای شیاطین نمی‌شود.

عیسی به سرعت درباره این نسل و مشکلمان صحبت می‌کند. عیسی می‌گوید چون این نسلی پر از مشکل است، شما این کار را می‌کنید، آنها آن را می‌گویند.

واقعیت دارد جلوی چشمشان اتفاق می‌افتد، و آنها آن را به چیز دیگری نسبت می‌دهند. آنها برای هر چیزی نشانه‌ای می‌خواهند. بسیار خوب، اگر نشانه‌ای می‌خواهند، تنها نشانه‌ای که برایشان مناسب است، نشانه‌ای از یونس نبی است.

روشی که او نشانه یونس را به تصویر می‌کشد، از آیه ۲۹، برای شنوندگان آنها خبر خوبی نخواهد بود. و من خواندم.

وقتی جمعیت زیاد شد، واقعاً گرد هم آمدند. او شروع به گفتن کرد که این نسل، نسلی شرور است. آنها به دنبال نشانه‌ای هستند، اما هیچ نشانه‌ای به آنها داده نخواهد شد جز نشان یونس نبی.

زیرا همانطور که یونس برای مردم نینوا نشانه شد، برای این نسل نیز نشانه انسان خواهد بود. بلکه جنوب در روز داوری با مردان این نسل قیام خواهد کرد و آنها را محکوم خواهد کرد. زیرا او از اقصای زمین آمد تا حکمت سلیمان را بشنود، و اینک، کسی بزرگتر از سلیمان اینجاست.

مردم نینوا در روز داوری با این نسل قیام کرده و آنها را محکوم خواهند کرد. زیرا آنها در اثر موعظه یونس توبه کردند و اکنون کسی بزرگتر از یونس اینجاست - آیه ۳۳.

هیچ کس پس از روشن کردن چراغ، آن را در زیر زمین یا زیر سبد قرار نمی‌دهد، بلکه آن را روی پایه‌ای قرار می‌دهد تا هر که وارد می‌شود نور را ببیند. چشم شما چراغ بدن شماست. وقتی چشم شما سالم باشد، تمام بدن شما پر از نور است.

اما وقتی بد است، وجودت پر از تاریکی است. پس، مراقب باش که نوری که در توست، تاریکی نباشد. اگر تمام وجودت پر از نور باشد و هیچ نقطه تاریکی نداشته باشد، تماماً روشن خواهد بود، مانند زمانی که چراغی با پرتوهایش به تو روشنایی می‌دهد.

به عبارت دیگر، اگر بینایی شما واقعاً خوب است، آنچه را که قرار است ببینید، ببینید. اما منظور عیسی از نشان یونس چیست؟ اجازه دهید به سرعت برخی از نکات مربوط به نشان یونس را در اینجا روشن کنم. در واقع، آنچه عیسی در این بحث کتاب مقدس می‌گوید این است

همانطور که او وضعیت دو پادشاهی را توضیح می‌داد و جمعیت بیشتری نزد او آمدند، به آنها یادآوری کرد که به عنوان یک نسل، آنها خیلی خوب نبوده‌اند. چیزهایی که در مقابل آنها قرار دارد، آنطور که هستند دیده نمی‌شوند. زیرا همانطور که یونس موعظه کرد، پسر انسان نیز آنجاست و به این نسل موعظه می‌کند.

اما این نسل آنقدر فاسد است که نمی‌شنود. ملکه سبا روزی خواهد ایستاد و آنها را محکوم خواهد کرد، یا ملکه جنوب، که ما او را به عنوان ملکه سبا می‌شناسیم که برای شنیدن حکمت سلیمان آمد، خواهد ایستاد و آنها را محکوم خواهد کرد زیرا کسی خردمندتر از ملکه در شخص عیسی آمده است. او سخنان خردمندانه‌تری می‌دهد و این نسل گوش نخواهد داد.

این [پیام] [در مقابل آنهاست؛ آنها مجبور نیستند به جایی سفر کنند و به آنچه او می‌گوید توجه نخواهند کرد. مردم نینوا وقتی یونس موعظه کرد توبه کردند، اما این نسل توبه نخواهد کرد. آنها به پسر انسان گوش خواهند داد و هنوز هم انواع سناریوها را در مورد کارهای پسر انسان خلق خواهند کرد.

عیسی آنها را به چالش خواهد کشید. می‌بینید، اگر آنها به دنبال نشانه هستند، نشانه همان کسی است که در مقابل آنها موعظه می‌کند، سخنان حکیمانه‌ای را موعظه می‌کند که مستلزم توبه است، و آنها گوش نمی‌دهند. در روز داوری، دو شاهد علیه آنها قیام خواهند کرد.

یکی ملکه جنوب و دو نفر دیگر مردان نینوا هستند. این شاهدان طبق سنت دو یا سه شاهد که معتبرترین شهادت را ارائه می‌دهند، قیام خواهند کرد و برای قضاوت آنها خواهند ایستاد زیرا آنچه را که قرار بود بشنوند شنیده‌اند و نفهمیده‌اند و از آن پیروی کرده‌اند. در نور و تاریکی، تضاد یا تصویرسازی، عیسی در واقع سعی دارد به آنها بگوید که اگر می‌توانند اینقدر واضح ببینند، می‌توانند پسر انسان را در حال کار ببینند.

اگر آنها می‌توانند اینقدر واضح بشنوند، می‌توانند بشنوند که پسر انسان سخنان حکمت‌آمیز می‌گوید، سخنان خدا که به سوی آنها می‌آید. و با این حال، مدت زمان آنقدر سخت است، مدت زمان در تفکر آنها آنقدر منحرف است که به نظر می‌رسد انتظار چیز دیگری را دارند، و همیشه وقتی نشانه‌ها در مقابل آنها اجرا می‌شود، یک نشانه دیگر را طلب می‌کنند. گذشته از همه اینها، مسئله اینجا چیست؟ یک نشانه بزرگ به تازگی اجرا شده است.

شخصی لال در حین تمرین عیسی شفا یافت. بخشی از جمعیت، قبل از اینکه دیگران به آنها بپیوندند، آنچه را که در جریان بود به قدرت روحانی شیطانی نسبت می‌دادند. عیسی در اینجا به وضوح نشانه‌ها را مشخص می‌کند.

مخاطبان سزاوار این پیام تند هستند، زیرا در واقع، پادشاهی خدا اینجاست و قدرت خدا اینجاست. وقتی قدرت خدا اینجاست، نباید اینقدر درگیر اعمال معجزه‌آسا باشیم. نه، نکته این است که وقتی قدرت خدا و پادشاهی خدا، وقتی سلطنت خدا در کار است، زندگی‌ها دگرگون می‌شوند، بیماران شفای خود را دریافت

می‌کنند، کسانی که نیاز به توبه دارند توبه می‌کنند، نسلی که به عقب برمی‌گردد و در تاریکی گرفتار شده است، در قلمرو عیسی مسیح نور پیدا می‌کند.

عیسی از همه کسانی که در آن زمان به او گوش می‌دادند، می‌خواهد که به این دعوت گوش فرا دهند و از دام‌های نسلی که فرزندان یهوه را به دلیل انتظارات نادرست از یهوه دور نگه می‌دارند، دست بردارند. برادران، و خواهران عزیزم در مسیح، نمی‌دانم کجا هستید و چه افکاری در مورد این موضوع دارید، اما می‌بینید احتمالاً می‌توانید صدای من را هنگام خواندن این متن بشنوید که دارم احساسات عیسی را در میان کسی که کار او را به کار شیطان نسبت می‌دهد، پردازش می‌کنم و اینکه پاسخ او چقدر مشروع و قاطع خواهد بود. اما آیا قدرت خدا را به عنوان قدرت خدا می‌بینید؟ آیا کلام خدا را به عنوان کلام خدا می‌بینید و می‌شنوید؟ یا منتظر نشانه‌ای مانند نشان یونس هستید؟ می‌بینید، در مورد یونس، مردان نینوا توبه کردند.

آیا من و شما حاضریم با شنیدن سخنان عیسی، ملکه جنوب، که از دوردست‌ها سفر کرد تا بیاید و حکمت را بشنود، توبه کنیم؟ و با این حال، کلام خدای زنده درست جلوی روی ماست. آیا ما گوش‌هایی برای شنیدن داریم؟ من با خواندن این آزمون محکوم می‌شوم. من محکوم می‌شوم که چگونه گاهی اوقات کار خدا را به کار انسان یا به کار یک عامل اشتباه نسبت می‌دهم.

و دعا می‌کنم که من و شما امروز محتوای آموزه‌های عیسی را بپذیریم تا بتوانیم او را همانطور که هست ببینیم. بتوانیم آنچه را که او انجام می‌دهد همانطور که هست بپذیریم. بتوانیم سخنان او را همانطور که هست بپذیریم.

ما می‌توانیم موعظه‌های او را در مورد آنچه که قصد دارد با ما در میان بگذارد، باور کنیم. و می‌توانیم او را به عنوان خداوند و نجات‌دهنده در زندگی خود بپذیریم. و من دعا می‌کنم و امیدوارم که با این کار، قدرت دگرگون‌کننده‌ی روح‌القدس را تجربه کنیم.

ما کار خدا را در زندگی خود خواهیم دید. خواهیم دید که خدا نیروهای تاریکی و کنترل هوا را از بین می‌برد تا روح بدبختی یا هر نامی که آن روح خواهد داشت، هیچ سلطه یا نفوذی بر زندگی ما نداشته باشد. اما قدرت خدای زنده را در هر جنبه‌ای از زندگی خود خواهیم دید.

می‌بینید وقتی پادشاهی خدا فرا می‌رسد، این خداست که سلطنت می‌کند. این شاهزاده صلح است که در کار است و فیض نجات‌بخش و محبت‌آمیز خداوند عیسی مسیح است که به تجربه تجسم‌یافته کسانی تبدیل می‌شود که به او ایمان دارند و به او توکل می‌کنند. از اینکه تا اینجا سخنانی را دنبال کردید، بسیار سپاسگزارم.

و نمی‌دانم که آیا خیلی احساساتی هستم یا نه، و باید از شما به خاطر احساساتی بودنم عذرخواهی کنم. اما می‌بینید، من به خداوند عیسی مسیح و پیام انجیل ایمان دارم. و می‌خواهم قدرت خدا را آنطور که هست جستجو و تجربه کنم.

و من دعا می‌کنم و امیدوارم که شما در این مسیر به من بپیوندید، مسیری که ما از خودراضی بودن امتناع می‌کنیم، بلکه حاضریم تسلیم شویم و شاگردان وفادار خداوند عیسی مسیح باشیم.

از شما متشکرم و خدا شما را برای دنبال کردن این مسیر برکت دهد. متشکرم.

این دکتر دانیل دارکو در حال تدریس در مورد انجیل لوقا است. این جلسه ۱۸، بحث بعزلبول است. لوقا ۱۱:۳۶-۱۴.

